



سفال محوطه‌های قره‌گویز - آذربایجان غربی

محمد کرمی*

چکیده:

فعالیت‌های عمرانی به ویژه سدسازی در دهه‌های اخیر سبب گشته تا محوطه‌های باستانی بسیاری در معرض خطر قرار گیرند. از این میان تنها تعدادی از آن‌ها مورد بررسی و کاوش قرار گرفته‌اند. اما روند توسعه، سرعتی بیش از مطالعات باستان‌شناختی دارد و از این رهگذر می‌توان نتیجه را حدس زد. یکی از این پروژه‌ها، پروژه سدسازی در منطقه زاگرس شمال غربی و منطقه آذربایجان غربی است. این سد شهریکند (نام بخشی که روستای قره‌گویز در آن قرار گرفته است) نامیده شده است. سد شهریکند در مراحل پایانی ساخت خود بوده و با اولین آب‌گیری، روستای قره‌گویز و سه محوطه باستانی اطراف آن به زیر آب خواهند رفت. طی بازدیدهایی که از تراس‌های سیمینه‌رود در بخش شهریکند در سال ۱۳۸۳ به منظور مطالعات پارینه‌سنگی انجام گرفت، سه محوطه (تپه) باستانی در خود روستای قره‌گویز و اطراف آن شناسایی شد. سفال‌های سطحی جمع‌آوری شده از سطح این سه تپه دوره‌های مختلفی همچون دالما، پیزدلی و احتمالاً مفرغ را نشان می‌دهند که در مقاله کوتاه حاضر معرفی می‌شوند.

کلید واژگان: روستای قره‌گویز، شهریکند، دالما، پیزدلی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

درآمد

منطقه شمال غرب و به ویژه حوزه دریاچه اورمیه یکی از مناطقی است که در منطقه کوهستانی زاگرس پیشینه‌ی پژوهشی نسبتاً طولانی دارد. مطالعات هدفمند تقریباً از دهه ۶۰ میلادی آغاز و در طرح مطالعاتی حسنلو محوطه‌های زیادی در حوزه دریاچه اورمیه بررسی و کاوش گردیدند. در همین چارچوب فرهنگ‌های دوره نوسنگی شمال غربی زاگرس شناخته شدند که حاجی‌فیروز و دالما از آن جمله‌اند. همچنین کاوش‌هایی مربوط به فرهنگ‌های مس و سنگی در ناحیه زاگرس شمالی انجام شد که شاخص‌ترین آن‌ها محوطه پیزدلی در دره سولدوز بود.

اما اینگونه فرهنگ‌ها در ناحیه بین زاگرس شمال غربی و مرکزی کمتر شناخته شده‌اند. طی بررسی‌های انجام شده در منطقه بوکان در سال‌های اخیر، آثار فرهنگی مربوط به دوره‌های دالما، پیزدلی و همچنین دوره مفرغ، در بخش شهریکند یافت شد که سفال‌های جمع‌آوری شده از این منطقه هم‌اکنون در موزه ملی ایران نگهداری می‌شوند. اما به علت احداث سد شهریکند بر روی سیمینه رود در این ناحیه، با نخستین آب‌گیری سد، تمام محوطه‌هایی که سفال‌های آن‌ها جمع‌آوری گردیده‌اند، به زیر آب خواهند رفت و اگر کاوش‌های نجات‌بخشی در منطقه صورت نپذیرد، به احتمال زیاد داده‌های زیر از محوطه‌های روستای قره‌گویز آخرین اطلاعات خواهند بود! در این مجال به معرفی سفال‌های به دست آمده از محوطه شهریکند و مشخصاً روستای قره‌گویز خواهیم پرداخت.^۱

موقعیت جغرافیایی

بخش شهریکند در ۲۰ کیلومتری جنوب غربی شهرستان بوکان قرار دارد. ارتفاع متوسط این منطقه از سطح دریا ۱۳۰۰ متر است. سیمینه‌رود با طول ۱۳۷ کیلومتر که سرچشمه آن در ارتفاعات چهل‌چشمه استان کردستان است و به دریاچه اورمیه می‌ریزد، مهم‌ترین رودخانه منطقه است (نقشه ۱). روستای قره‌گویز در بخش شهریکند در جنوب و جنوب غرب استان آذربایجان غربی و تقریباً در مرز بین استان‌های آذربایجان غربی و کردستان واقع شده است. در مشرق روستا سیمینه‌رود و در غرب آن جاده آسفالت سردشت-بوکان قرار گرفته است (نقشه ۲). تراس‌های رودخانه سیمینه رود در محدوده روستای شهریکند و قره‌گویز برای نخستین بار در سال ۱۳۸۳ توسط نادری و حسن‌زاده بازدید شدند و با توجه به پژوهش‌های انجام شده چنین به نظر می‌رسد که می‌توان انتظار یافتن استقرارهای غارنشینی، حتی مربوط به دوره پارینه‌سنگی قدیم را در منطقه داشت (نادری ۱۳۸۵: ۷). طی همین بازدید در روستای قره‌گویز سه برجستگی (تپه) با فاصله از یکدیگر مشاهده و همگی آن‌ها تحت عنوان قره‌گویز نامگذاری شدند.^۲ با این تفاوت که تپه‌ای که روستای کنونی قره‌گویز روی آن قرار گرفته و از همه بزرگتر است، قره‌گویز مرکزی و دو تپه دیگر یعنی قره‌گویز ۱ (در شمال) و قره‌گویز ۲ در جنوب روستا یا قره‌گویز مرکزی قرار گرفته‌اند. قره‌گویز ۱ در حدود ۲۳۰۰ متری شمال قره‌گویز مرکزی و قره‌گویز ۲ در حدود ۲۲۰۰-۲۱۰۰ متری جنوب و جنوب غربی آن قرار گرفته است. اندازه تقریبی قره‌گویز مرکزی در حدود ۲-۳ هکتار و قره‌گویز ۱ در حدود ۱ هکتار است. همچنین قره‌گویز ۲ تقریباً ۱/۷ هکتار وسعت دارد.

پیشینه مطالعاتی

در منطقه شمال غربی زاگرس در ارتباط با محوطه‌های نوسنگی به بعد گزارش نهایی، گزارش‌های کوتاه، خبرگونه و اطلاعیه به تعداد کم در دسترس قرار دارد (ملک، ۱۳۷۸: ۲۸۱). البته در ارتباط با شواهد حضور فرهنگ‌های پیش از نوسنگی نیز مطالعاتی انجام و به چاپ رسیده است^۳. پژوهش‌های هدفمند در این منطقه طرح مطالعاتی حسنلو از دهه ۶۰ میلادی به سرپرستی دایسون آغاز شد^۴. هدف پروژه حسنلو مستندسازی خود تپه و تپه‌های اطراف در بستر تاریخ باستان‌شناختی و فرهنگی از دوران نوسنگی تا دوره‌های تاریخی متاخر بود.

تپه‌های حاجی فیروز، دالما و پیزدلی مواد فرهنگی را از اواخر هزاره ششم تا هزاره پنجم پ.م بدست داد (Muscarella, 1968: 187). چارلز مک برنی از اعضای پروژه حسنلو در ۱۹۶۰ به کاوش تپه حاجی فیروز پرداخت که طی آن قدیمی‌ترین فاز از دوره نوسنگی زاگرس شمال غربی (تاکنون) شناخته شد (حسنلو X). در سال‌های ۱۹۵۸ و ۱۹۶۱ نیز محوطه دالما در جنوب غربی دریاچه اورمیه حفاری و علیرغم اهمیت آن، تنها گزارش کوتاهی از آن در دست است (Hamlin, 1975). سفال‌های بدست آمده از این محوطه به چهار گروه منقوش، تزیین افزوده وکنده، پوشش گلی غلیظ و ساده تقسیم می‌شوند (ملک ۱۳۷۸: ۲۹۴). این سفال‌ها که با عنوان حسنلوی X شناخته می‌شوند، معرف دوره اواخر نوسنگی در منطقه شمال غرب زاگرس بوده و می‌توان آن را گسترده‌ترین فرهنگ نوسنگی متاخر در منطقه زاگرس دانست. چراکه نشانه‌های این فرهنگ در زاگرس مرکزی نیز قابل مشاهده است (Levine and Young, 1986)

(Henrickson, 1985) (Mortensen 1974). اما پژوهش‌ها در ارتباط با هزاره چهارم پیش از میلاد نیز با کاوش‌های تپه پیزدلی در دره سولدوز در جنوب دریاچه اورمیه به سال‌های ۱۹۵۷ و ۵۸ همراه بود (Dyson and Young, 1960). سفال‌های پیزدلی دست‌ساز و ماده چسباننده آن‌ها را بیشتر گاه درشت تشکیل می‌دهد. در این دوره نیز سفال‌های ساده و منقوش (هندسی و حیوانی) وجود دارند و با توجه به آزمایشات کربن ۱۴ قدمت آن‌ها به اواسط هزاره چهارم پ.م برمی‌گردد. این دوره با عنوان حسنلوی XIII نیز شناخته می‌شود. با این وجود بیشتر مطالعات در نزدیکی دریاچه اورمیه متمرکز بوده و متأسفانه در دیگر دره‌های زاگرس شمال غربی محوطه‌های دوران نوسنگی و بعد از آن کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. این موضوع در شمال و شمال شرق دریاچه اورمیه نیز دیده می‌شود به طوری که اخیراً نخستین شواهد فرهنگی دوره نوسنگی حاجی فیروز در منطقه دشت مغان در اردبیل شناسایی گشت (حصاری و اکبری ۱۳۸۴: ۱۳).

در منطقه شرق و شمال کردستان نیز سویی در سال ۱۹۷۱ بررسی کرد (Swiny, 1975). اما در مورد انتساب چند محوطه به دوره نوسنگی در این منطقه (دوره حاجی‌فیروز) اختلاف نظر وجود دارد (روستایی و دیگران، ۱۳۸۱: ۶۷). مناطق جنوبی آذربایجان غربی و شمال کردستان در سال‌های اخیر نیز مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. از جمله بازدیدهای مطالعاتی در این منطقه، بخش شهریکند و روستای قره‌گویز است. با توجه به قرار گرفتن سه محوطه (تپه) با فاصله نسبتاً کم از یکدیگر، سفال‌های جمع‌آوری شده می‌تواند سیر نسبتاً منظمی از سفال‌های دوره دالما تا دوره احتمالاً مفرغ را نشان دهد. ضمن اینکه این محوطه‌ها به

روی آنها متداول و روی یکی از آنها آثار داغدارشدگی دیده می‌شود (طرح ۱-۱). با توجه به دو نمونه لبه به دست آمده، هر دو به کاسه‌های دهان باز تعلق دارند. به نظر می‌رسد سفال‌های موجود همگی می‌توانند به دوره مفرغ نسبت داده شوند.

سفال‌های قره‌گویز ۲

بیشترین تعداد سفال‌ها از تپه قره‌گویز ۲ جمع‌آوری گردیده است. تعداد آن‌ها ۳۰ قطعه و شاخص‌ترین سفال‌های مجموعه تپه‌های قره‌گویز را تشکیل می‌دهند. این تعداد شامل ۱۹ قطعه لبه، ۴ کف و ۷ قطعه بدنه هستند. سفال‌های به دست آمده از این تپه را در مجموع می‌توان به دوره‌های دالما و پیزدلی تقسیم نمود. سفال‌های دوره دالما تعدادشان بیشتر است (۲۳ قطعه). این سفال‌ها خمیره‌ای به رنگ‌های قرمز-آجری، قرمز-صورتی، نخودی تیره و قهوه‌ای روشن و ماده چسباننده آن‌ها کاه ریز و درشت است. سفال‌های این مجموعه را می‌توان به سه دسته‌ی خشن، استاندارد و ظریف تقسیم کرد. نمونه‌های خشن شامل کاسه و ظروف دهان باز می‌شوند. یک نمونه از آن‌ها که خمیره قرمز-صورتی و پوشش غلیظ قرمز-قهوه‌ای روی سطح داخل دارد و ماده چسباننده آن را کاه درشت تشکیل می‌دهد، در مجموعه سفال‌های قره‌گویز ۲ دیده می‌شود (طرح ۲-۱۰). سفال‌های استاندارد تعداد بیشتری از سفال‌ها را به خود اختصاص داده و نمونه‌های موجود، همگی مربوط به ظروف دهان بسته هستند. لبه این‌گونه ظروف به بیرون برگشته و قسمت انتهایی آن‌ها گرد شده است (طرح ۲-۱، ۴ و ۶). خمیره این سفال‌ها به رنگ قرمز و ماده چسباننده آن‌ها را کاه درشت تشکیل

شدت در خطرند و معرفی سفال‌های آن‌ها لازم به نظر می‌رسد.

سفال‌های قره‌گویز مرکزی

تپه قره‌گویز مرکزی همانطور که یاد شد، در زیر روستای کنونی قره‌گوز قرار گرفته است. پی‌سازی، ریختن زباله و نخاله‌های ساختمانی و کاوش‌های غیرمجاز از عوامل اصلی تخریب آن هستند (تصویر ۲). از این محوطه تعداد ۱۱ قطعه سفال برداشت شده که از این تعداد، ۴ لبه، یک لوله، ۲ دسته و ۴ قطعه بدنه هستند. احتمال می‌رود بیشتر سفال‌ها به دوره مفرغ تعلق داشته باشند (طرح ۱). تنها دو قطعه بدنه با بقیه تفاوت داشته و به نظر می‌رسد متعلق به دوره پیزدلی باشند. سفال‌هایی که به دوره مفرغ نسبت داده می‌شوند، خمیره قهوه‌ای روشن و تیره، ماده چسباننده شن و کاه ریز و بعضاً کاه درشت داشته و پوشش دست مرطوب روی آن‌ها دیده می‌شود. فرم ظروف نیز بیشتر شامل خمیره‌های دهان بسته با لبه به بیرون برگشته است (طرح ۱-۶، ۷ و ۸). کاسه‌های دهان باز (طرح ۱-۲۰، ۴) نیز از دیگر انواع فرم‌ها هستند.

سفال‌های قره‌گویز ۱

به فاصله حدود ۲۳۰۰ متری شمال و شمال غرب قره‌گویز مرکزی قرار گرفته و جاده آسفالتی سردشت-بوکان در شمال روستای قره‌گویز آن را می‌برد (تصویر ۳). مقدار سفال‌های جمع‌آوری شده از این محوطه اندک و محدود به ۶ قطعه می‌شود. ۲ قطعه لبه و ۴ قطعه دیگر بدنه هستند. سفال‌ها خمیره‌ای به رنگ‌های قهوه‌ای تیره و قرمز آجری داشته و ماده چسباننده آن‌ها را شن درشت و سنگ‌ریزه تشکیل می‌دهد. پوشش دست مرطوب

دست کم پراکندگی سفال‌های سطحی نشان از تداوم استقرار در این ناحیه طی دوره‌های مذکور دارد. این پراکندگی نشان می‌دهد یک جابجایی جمعیتی از جنوب به شمال رخ داده است. به طوریکه در قره‌گویز مرکزی و قره‌گویز ۱ خبری از وجود سفال‌های دالما و پیزدلی نیست، در حالیکه نمونه‌های شاخص سفال‌های دوره دالما و پیزدلی در مجموعه سفال‌های قره‌گویز ۲ زیاد است.

نکته لازم به ذکر دیگر پراکندگی سفال‌های دوره دالما در زاگرس شمال غربی و گستردگی این فرهنگ است. به طوریکه شواهد حضور این فرهنگ در دره کنگاور نیز با عنوان گودین X شناخته می‌شود (Henrickson 1985). سفال‌های منقوش دالما نیز در تپه سه‌گابی در زاگرس مرکزی به دو صورت منقوش تک رنگ و دو رنگ شناخته شدند (Levine and Young, 1986:21). سفال‌های به دست آمده از محوطه قره‌گویز همگی از نوع تک رنگ دالما هستند. با توجه به کاوش‌های صورت گرفته به نظر می‌رسد که محوطه‌های دارای فرهنگ دالما را هم می‌توان در فضاهای باز و هم در غارها جستجو کرد. به طوریکه سفال‌های دوره دالما با نقش فشرده، در کاوش‌های غار کانی میکائیل در منطقه کردستان دیده می‌شود (روستایی و دیگران، ۱۳۸۱: ۶۳). این موضوع در دره‌های زاگرس مرکزی نیز قابل پی‌گیری است. چراکه در بررسی‌های هلیلان در لرستان نیز محوطه‌های غار با سفال‌های مس و سنگی جدید که آن‌ها را به استقرارهای موقت و یا کوچ‌نشینان نسبت داده‌اند، یافت شده است (Mortensen 1974: 48). شواهدی همچون کانی میکائیل در کردستان و کشف سفال‌های دوره دالما از آن می‌تواند شیوه اقتصادی و معیشتی مبتنی بر

می‌دهد. در ضمن مغز این‌گونه سفال‌ها خاکستری تیره و برخی از آن‌ها پوشش غلیظ قرمز- قهوه‌ای روی هر دو سطح دارد. تزیین روی این سفال‌ها محدود به نقوش فشرده بر روی سطح سفال است^۵ (طرح ۲-۱ و ۴). اما گونه ظریف سفال‌های دالما تپه قره‌گوز ۲ دارای خمیره‌ای به رنگ قرمز و ماده چسباننده کاه ریز و درشت هستند. این سفال‌ها همگی منقوش (روی سطح بیرون) و نقوش، که همگی هندسی هستند، روی پوشش‌های نخودی تیره (طرح ۲-۵) و قرمز- قهوه‌ای (طرح ۲-۹ و ۱۱) اجرا شده‌اند. نقش جناغی (طرح ۲-۵)، مورب (طرح ۲-۹ و ۱۲) و در یک مورد مثلث هاشورخورد (طرح ۲-۱۱) از متداول‌ترین نقوش آن‌هاست. اما سفال‌های دوره پیزدلی در مجموعه تعداد کمی را تشکیل می‌دهند (۷ قطعه) که از این میان ۵ قطعه لبه و ۲ قطعه بدنه هستند. خمیره آن‌ها نخودی تیره و قرمز- صورتی و ماده چسباننده آن‌ها را شن و کاه درشت تشکیل می‌دهد. از ویژگی‌های این‌ها داشتن پوشش غلیظ قرمز روی هر دو سطح است که داغدار شده‌اند. این سفال‌ها نیز برخی مواقع مغز خاکستری تیره داشته و آثار کاه درشت روی سطح آن‌ها دیده می‌شود. دو نمونه از لبه‌ها فرم ظروفی را نشان می‌دهند که دهانه بسته دارند (طرح ۲-۷). اما در یک مورد کاسه کوچک دهان باز با مغز خاکستری رنگ در مجموعه دیده می‌شود (طرح ۲-۲).

سخن پایانی

محوطه‌های قره‌گویز در روستای قره‌گویز در بخش شهریکند، در مجموع طی دوره‌های دالما تا مفرغ قدیم مساحتی نزدیک به چهار هکتار را در بر می‌گیرند (البته قسمت‌هایی از محوطه‌ها به وسیله جاده‌سازی بریده شده و از بین رفته است).

۴ - نخستین بار در سال ۱۳۱۳ شمسی کاوش تجاری حسلو آغاز و دو سال بعد یعنی در سال ۱۹۳۶ میلادی سر اورل استاین گمانه‌ای در آنجا حفر و سپس حاکی و راد از ایران در سال‌های ۱۳۲۶ و ۲۸ در آنجا کاوش کردند.

Dalma Impressed Ware - ۵

منابع

- حصاری، مرتضی و حسن اکبری؛ ۱۳۸۴، «گزارش گمانه زنی تپه ایدیر، اصلاندوز»، گزارش‌های باستان‌شناسی، جلد ۴، انتشارات پژوهشکده باستان‌شناسی، ۲۹-۱۳

- روستایی، کوروش، حسن رضوانی، سامان حیدری، فریدون بیگلری و نائومی میلر ۱۳۸۱، «گزارش مقدماتی گمانه‌زنی در غار کانی میکانیل کردستان، شهرریور و مهر ۱۳۸۰»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال شانزدهم، شماره دوم، ۶۸-۵۸

- ملک، صادق ۱۳۷۸، «ایران در پیش از تاریخ»، سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول

- نادری، رحمت، ۱۳۸۵، «گزارش کشف شواهد احتمالی پارینه سنگی قدیم بر روی تراس‌های رودخانه سیمینه رود»، مجله پیام باستان‌شناس، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ابهر، سال سوم، شماره ۵، ۱۲.

کوچ‌نشینی را در این نواحی به هزاره‌های قبل از دوره مس و سنگی برساند.

اما با وجود بررسی و کاوش‌ها در منطقه زاگرس شمالی و مرکزی تاکنون نقشه‌ای نسبتاً دقیق که بتوان محوطه‌های دارای فرهنگ دالما را بر روی آن نشان داد، تهیه نشده است. اما به نظر می‌رسد اگر این کار به آینده موکول شود شاید هیچ وقت این امر امکان‌پذیر نگردد! چراکه عملیات و فعالیت‌های عمرانی از قبیل سدسازی، دستیابی به محوطه‌ها را عملاً غیر ممکن خواهند ساخت. این موضوع در ارتباط با بخش شهریکند و روستای قره‌گویز صادق است. سد شهریکند در نزدیکی روستای قره‌گویز به زودی به مراحل پایانی خود نزدیک و با اولین مرحله آگیری همه محوطه‌های واقع در این ناحیه به زیر آب خواهند رفت. امید است همزمان با عملیات عمرانی، سازمان میراث فرهنگی شرایطی فراهم کند تا باستان‌شناسان علاقمند بتوانند علاوه بر دستیابی به اطلاعات جدید در ارتباط با محوطه‌های باستانی در معرض خطر، پیش از نابودی کامل آن‌ها، نقشه باستان‌شناسی منطقه را تهیه و مستندنگاری لازم را انجام دهند.

یادداشت‌ها

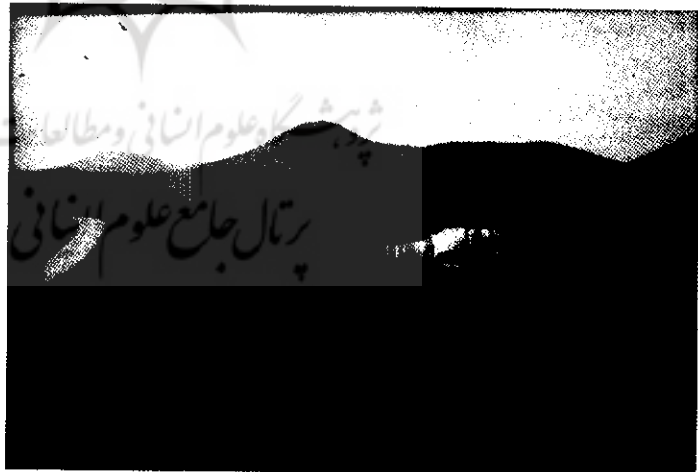
۱- از آقای یوسف حسن‌زاده که سخاوتمندانه مجموعه سفال‌های روستای قره‌گویز را برای انتشار در اختیار من نهاد، سپاسگزارم.

۲- انتخاب نام قره‌گویز به علت قرار گرفتن روستای کنونی قره‌گویز بر روی تپه اصلی بوده و دو تپه دیگر به خاطر نزدیکی به قره‌گویز مرکزی با نام‌های قره‌گویز ۱ و ۲ نامگذاری گردیدند.

۳- برای مطالعه بیشتر ن.ک نادری ۱۳۸۵.

- Goff, Clare 1971, "Luistan before the Iron Age", *Iran*, Vol IX, pp:131-153
- Dyson, R. H. 1983, "Introduction: the Genesis of the Hasanlu Project", in Mary M. Voigt, Hajji Firuz Tape, Iran: The Neolithic Settlement. University of Pennsylvania. pp: XXV_ XXV III.
- Dyson, R and Cuyler Young 1960, The Solduz Valley, Iran: Pisdeli Tepe. *Antiquity*, Vol. XXXIV, pp: 19-27
- Hamlin, C. 1975
Dalma Tepe, Iran Vol. XIII, pp: 111-127
- Henrickson, E. 1985, " An Updated Chronology of the Early and Middle Chalcolithic of the Central Zagros Highlands, Western Iran", *Iran*, Vol. 23, pp: 63-108.
- Mortensen, P., 1974, "A survey of early prehistoric sites in the Holailan valley in Luristan", *proceeding of the 11th annual symposium on Archeological Research in Iran*, e dited by F. Bagherzedehe, pp: 34-52.
- Muscarella, O. White 1968, Excavation at Dinkha Tepe, 1966, *The Metropolitan Museum of Art Bulletin*, New Series, Vol 127, No.3, pp: 187-196.
- Levine D. L., and T. Cuyler Young, 1986
"A Summary of the Ceramic Assemblages of the Central Western Zagros from the Middle Neolithic to the Late Third Millennium B.C.", *Colloques Internationaux CNRS, France, Prehistoire De La Mesopotamie* (editions du CNRS Paris 198b), Pp. 15-53.
- Swiny S. 1975, "Survey in Northwest Iran, 1971.", *East and West* 25(1-2), pp: 77-92
- Young, C. and Louis Levine 1974, *Excavation of the Godin Project: Second Progress Report*, Royal Ontario Museum, Art and Archaeology Occasional Paper 26

تصویر ۱- سیمینه رود و موقعیت آن
نسبت به جاده سردشت - بوکان





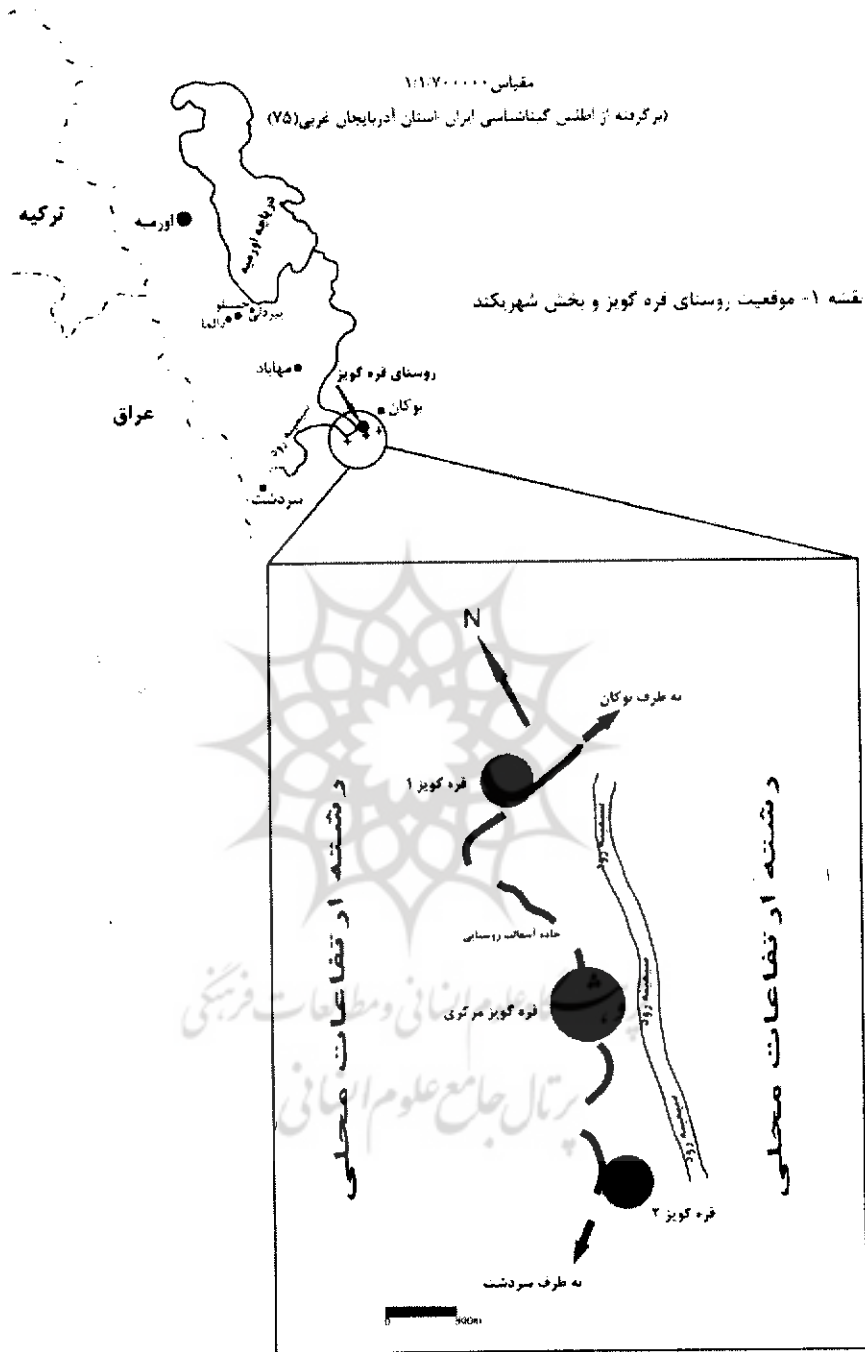
تصویر ۲- خانه‌های روستایی بر روی
محوطه قره‌گویز مرکزی



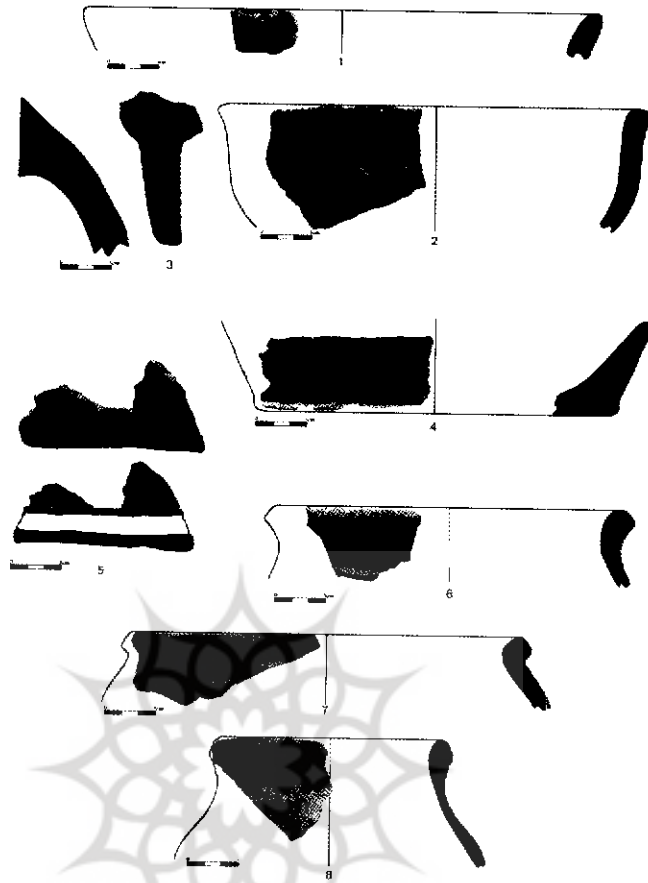
تصویر ۳- آسیب شدید جاده سازی و
برش تپه قره‌گویز ۱



تصویر ۴- قره‌گویز ۲ و سرنوشتی شبیه
به قره‌گویز ۱



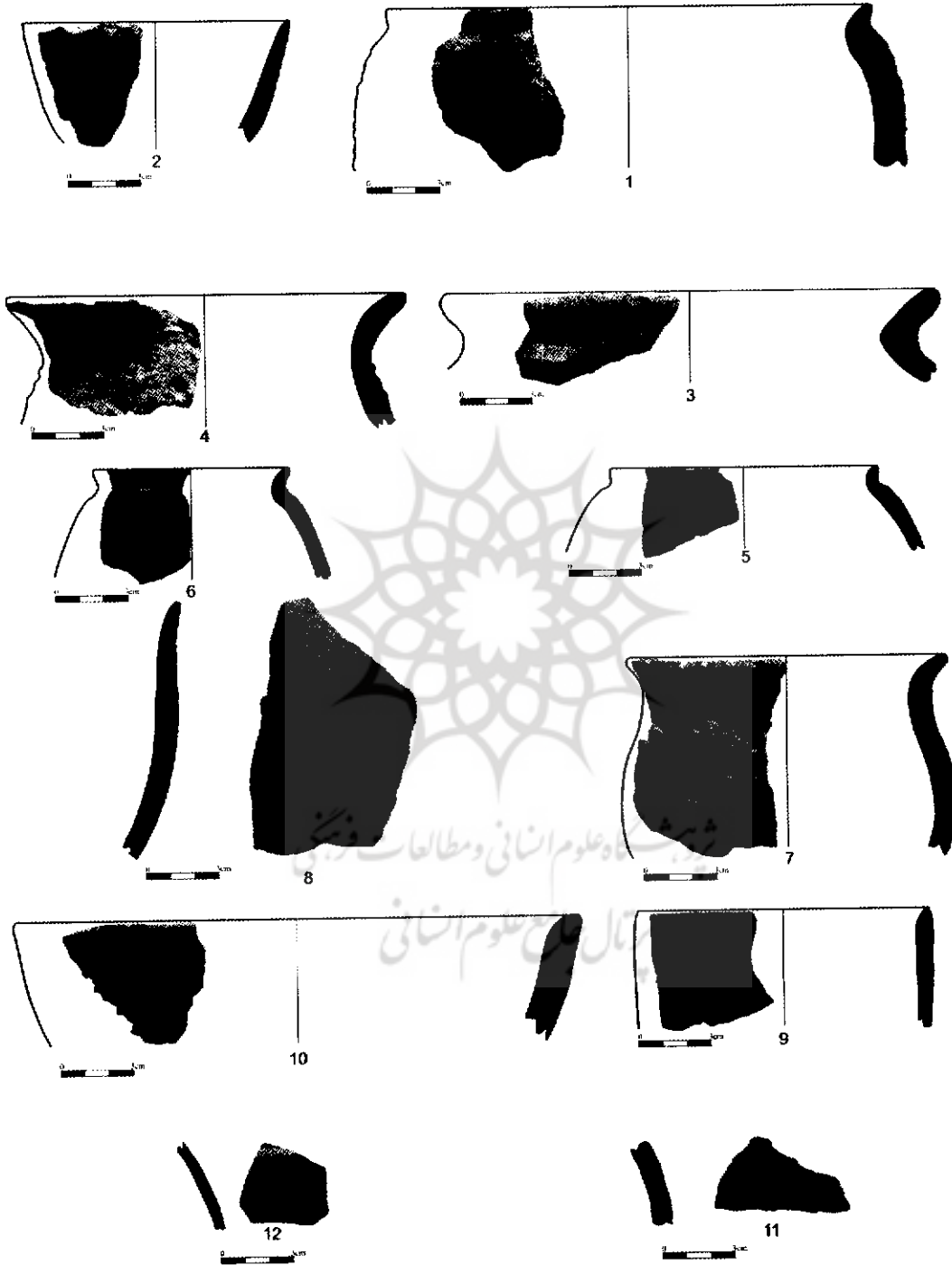
نقشه ۲- موقعیت نسبی محوطه‌های قره‌گویز نسبت به یکدیگر و سیمیه رود



طرح ۱- نمونه سفال‌های قره‌گویز مرکزی و قره‌گویز ۱

ردیف	نام محوطه	توصیف	مقایسه
۱	قره‌گویز ۱	خمیره قهوه‌ای تیره، ماده چسباننده شن درشت، داغدار شدگی روی هر دو سطح، چرخ ساز	حصاری و اکبری ۱۳۸۴: ۲۴، ط ۴، ش ۱۰
۲	قره‌گویز ۱	خمیره قرمز آجری، ماده چسباننده شن درشت و سنگ‌ریزه، پوشش دست مرطوب روی هر دو سطح، چرخ ساز	-
۳	قره‌گویز مرکزی	خمیره قرمز قهوه‌ای، ماده چسباننده گاه درشت، مغز خاکستری تیره، پوشش دست مرطوب	-
۴	قره‌گویز مرکزی	خمیره قهوه‌ای روشن، ماده چسباننده شن و گاه درشت، پوشش قرمز آجری روی هر دو سطح، دست ساز	-
۵	قره‌گویز مرکزی	خمیره قرمز آجری، ماده چسباننده شن درشت، پوشش قرمز قهوه‌ای روی سطح بیرون	-
۶	قره‌گویز مرکزی	خمیره قرمز آجری، ماده چسباننده شن درشت، پوشش دست مرطوب و داغدار شدگی روی هر دو سطح-چرخ‌ساز	Mascarella, 1966: 195, P. 195, fig 22
۷	قره‌گویز مرکزی	خمیره قهوه‌ای روشن، ماده چسباننده گاه ریز، پوشش دست مرطوب روی هر دو سطح، چرخ ساز	Mascarella, 1966: 195, P. 195, fig 22
۸	قره‌گویز مرکزی	خمیره قهوه‌ای روشن، ماده چسباننده گاه و شن ریز، پوشش سطح مرطوب روی هر دو سطح، چرخ ساز	Mascarella, 1966: 195, P. 195, fig 22

جدول ۱- توصیف سفال‌های محوطه‌های قره‌گویز مرکزی و قره‌گویز ۱



طرح ۲- نمونه سفال‌های به دست آمده از تپه قره‌گویز ۲

ردیف	نام محوطه	توصیف	مقایسه
۱	قره‌گویز ۲	خمیره قرمز-صورتی، ماده چسباننده کاه درشت، پوشش قرمز-قهوه‌ای روی سطح بیرون، دست ساز	Young and Levine 1974, fig3,35 & 36, روستایی و دیگران Hamlin 1975, ش ۸، ط ۱، ۱۳۸۱ fig8, C
۲	قره‌گویز ۲	خمیره نخودی تیره، ماده چسباننده کاه درشت، مغز خاکستری تیره، پوشش قرمز غلیظ و داغدارشدگی روی هر دو سطح، دست ساز	-
۳	قره‌گویز ۲	خمیره قهوه‌ای روشن، ماده چسباننده کاه درشت، مغز خاکستری تیره، دست ساز	-
۴	قره‌گویز ۲	خمیره قرمز آجری، ماده چسباننده کاه درشت مغز خاکستر تیره، دست ساز	Hamlin 1975:125, pl 1c
۵	قره‌گویز ۲	خمیره قرمز آجری، ماده چسباننده کاه ریز، نقش قهوه‌ای تیره روی زمینه نخودی تیره، دست ساز	Hamlin 1975, fig7, D
۶	قره‌گویز ۲	خمیره قرمز آجری، ماده چسباننده شن و کاه ریز، پوشش غلیظ قرمز-قهوه‌ای روی هر دو سطح، رنگ نقش قرمز-بنفش، دست ساز	Hamlin 1975, fig9, D
۷	قره‌گویز ۲	خمیره قرمز-صورتی، ماده چسباننده کاه درشت، پوشش غلیظ قرمز تیره و آثار داغدارشدگی روی هر دو سطح، دست ساز	-
۸	قره‌گویز ۲	خمیره قرمز-صورتی، ماده چسباننده کاه درشت، پوشش غلیظ نخودی تیره روی سطح بیرون، رنگ نقش قرمز، دست ساز	-
۹	قره‌گویز ۲	خمیره نخودی تیره، ماده چسباننده کاه ریز، پوشش غلیظ قرمز-قهوه‌ای روی سطح داخل، رنگ نقش قرمز-قهوه‌ای، دست ساز	Hamlin 1975, fig4, B
۱۰	قره‌گویز ۲	خمیره قرمز-صورتی، ماده چسباننده کاه درشت، پوشش غلیظ قرمز-قهوه‌ای روی سطح داخل، دست ساز	Hamlin 1975, fig8, F
۱۱	قره‌گویز ۲	خمیره قرمز آجری، ماده چسباننده کاه درشت، رنگ نقش قرمز-قهوه‌ای، دست ساز	Hamlin 1975, fig7, A & B
۱۲	قره‌گویز ۲	خمیره قرمز-صورتی، ماده چسباننده کاه درشت، پوشش نخودی روشن روی سطح بیرون، رنگ نقش قرمز-قهوه‌ای، دست ساز	Hamlin 1975, fig4, B

جدول ۲- توصیف سفال‌های به دست آمده از محوطه قره‌گویز ۲